

بقلم آقای حسین و عطرزاده -۱-

## اشتباه در ترجمه کلمات ابن سینا

مقاله ای که بخش نخست آن در این شماره بچاپ میرسد انتقادی است بر مقاله آقای دکتر صفا که در شماره های اول و دوم مجله مهر بچاپ رسید و عنوان آن «حکمة المشرقیه» بود. اگر آقای دکتر صفا پاسخی بگویند پس از اینکه نشر مقاله آقای واعظزاده بیان رسید درج میشود.

«مهر»

مقاله بسیار ممتع و فاضلانه ای که تحت عنوان «حکمة المشرقیه و مشرقیین و مغربیین باصطلاح ابن سینا» بقلم آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشمند دانشگاه در شماره های اول و دوم سال هشتم مجله مهر انتشار یافته از حیث اینکه مشتمل بر بحث تاریخی جالبی راجع به کیفیت انتقال عقاید فلسفی و منتخبات عقلی فلاسفه یونان به مشرق زمین میباشد و ضمناً بحثی است در منظور شیخ الرئیس از حکمة مشرقیه، مشرقیین، مغربیین و تحقیق در عوامل تقدم فکری ملل اسلامی و توجه دانشمندان و متفکرین قرون اولیه اسلام بمباحث عقلی و موضوعات فلسفی لذا از نظر کسانی که بیحث و مطالعه در موضوعات فلسفی اشتغال دارند فوق العاده نفیس و دارای ارزش و اعتبار است و بنویسنده آن از لحاظ پیش قدم شدن در طرح این قبیل مباحث مهم و قابل استفاده باید تبریک و تهنیت گفت.

ولی بجهاتی که ذیلاً توضیح و تشریح میگردد مقاله مذکور قابل انتقاد است و نگارنده بمنظور اینکه بعدها دقت و مطالعه بیشتری در این قبیل مباحث مهم بعمل آید موارد انتقادی را با ادله آن ذیلاً بعرض میرساند و چنانچه اشتباه یا غلطی گفته باشم اگر دانشمندی بامنطق صحیح عقلی اشتباه یا غلط مرا متذکر شود بسیار سپاسگزار خواهم بود.

۱- اولین قسمتی که توجه دقیق خواننده بدان جلب میشود تقلید صرف و بدون مطالعه نویسنده است از عقیده آقای دکتر عبدالرحمن بدوی در مورد تشخیص و تمییز مشرقیین و مغربیین مذکور در کلمات شیخ الرئیس از یکدیگر، زیرا که بدوی در صفحه ۲۴ و صفحه ۲۸ مقدمه ای که بر کتاب «ارسطو عند العرب» نگاشته مشرقیین را مشائین معاصر شیخ الرئیس و از اهل بغداد و مغربیین را شارحین یونانی و اسکندرانی کتب فلسفی ارسطو تشخیص داده است. آقای دکتر ذبیح الله صفا هم در مقاله مزبور بتقلید از وی در صفحه ۳۶ شماره اول مجله مهر نوشته اند: «در اینجا مشرقیین عبارت است از حکمای بغداد و کسانی که در برابر مغربیین یعنی شرح اسکندرانی و یونانی افلاطون و ارسطو واقع شده اند و مابینت فلسفه این دو فریق از اختلافاتی نشأت کرده است که در شرح عقاید ارسطو با یکدیگر یافته اند» و در صفحه ۳۸ همان شماره پس از ترجمه نامه شیخ الرئیس بکیا ابو جعفر نتیجه گرفته اند که: «این اشاره کاملاً ماهیت اصطلاح مشرقیین و مغربیین را در نظر ابن سینا روشن میسازد» و نیز در صفحه ۸۴ شماره دوم در آغاز

دومین قسمت مقاله نگاشته‌اند: «از مجموع اشارات ابوعلی که در شماره پیش آورده‌ام چنین برمی‌آید که مراد از مشرقیین و مغربیین دو دسته از شارحان و پیروان حکمت مشائینند نه صاحبان دو مکتب مختلف فلسفی. در کتاب حکمة المشرقیین ابوعلی سینا نیز همین حقیقت ملاحظه میشود.»

در صورتیکه بادقت در بیانات و کلمات خود شیخ‌الرئیس از همان مواردی که خود آقای دکتر صفا بمنظور استشهاد بدان در مقاله خود ترجمه و نقل نموده‌اند خلاف تشخیص فوق متبادر بذهن میشود و بعضی نصوص از نویسندگان و متفکرین قدیم نیز صراحتاً تشخیص دکتر بدوی را در مورد مشرقیین تکذیب مینماید. مثلاً این عبارت شیخ‌الرئیس در اول نامه: «ابو جعفر: «والذی ذکره من اختلاف الناس فی امر النفس والعقل وتبلدهم و ترددهم فیہ لاسیما الیله النصراری من اهل مدینة السلام» و همچنین عبارت آخر همین نامه: «ذاک قد کان بشل علی ضعف البغدادیة و تقصیرهم و جهلهم» و نیز جمله هائی از مقدمه منطق المشرقیین مانند: «لانبالی من مفارقة تظهر منالما الفه متعلموا کتب الیونانیة و غفلة و قلة فهم» یا «ولا یبعد ان یکون له عند المشرقیین اسم غیره». پس اگر مشرقیین عبارت از مشائین مقیم بغداد و شارحین کتب ارسطو بودند شیخ نمی‌نوشت: «دور نیست برای این علم که یونانی‌ها آنرا منطق نامیده‌اند نزد مشرقیین اسم دیگری باشد، یعنی بنام دیگری خوانده شود.» و نیز عبارت: «قد بلینا برقة منهم عاری الفهم کانهم خشب مسندة» که از آن مقصودی جز معاصرین بغدادی نداشته است.

مؤید مطالب فوق شرحی است که فیلسوف متصوف قرن هفتم هجری شیخ قطب‌الدین عبدالحق بن ابراهیم معروف بابن سبعین اندلسی (متوفی بسال ۶۶۹ هجری در مکه که از معتقدین بوحدت وجود بوده و بقول بعضی‌ها بمنظور اتصال بحق در مکه خود کشتی کرده) در قسمتی از کتاب خود موسوم به «البدایة العارف» که راجع بتصویر روحیه و نمایاندن عقاید فلسفی ابونصر فارابی، ابن سینا، غزالی، ابن رشد میباشد نگاشته است و در آنجا راجع بابن سینا عبارات زبر را ایراد نموده: «امرا ابن سینا فموا من فسط کثیر الطنطنه قلیل الفائدة وماله من التوالیف لا یصلح لسی و بزعم انه ادرك الفلسفة المشرقیة ولو ادر کها لتضوع ربحها علیه وهو فی العین الحمئة... واحسن ما له فی الالهیات: التنبیهات والاشارات و ما رمزه فی حی بن یقظان و علی ان جمیع ما ذکره فیها هو من مفهوم النوامیس لافلاطون و کلام الصوفیه... الخ»

بموجب مدارک مذکور در فوق بطور ظن و تقریب نه باحزم و قطع ثابت میشود که اظهار نظر آقای دکتر عبدالرحمن بدوی درباره تمیز مشرقیین و مغربیین اشتباه است و حکمة مشرقیه هیچ ارتباطی بشرح فلسفه و عقاید ارسطو ندارد. یعنی مشرقیین، مشائین بغدادی و شاگردان مکتب ارسطو نیستند.

برای تشخیص صحیح این موضوع تتبع و تحقیق و مراجعه بمنابع معتبر و مطالعه و دقت بیشتری را ایجاب میکند، خصوصاً که در محل اقامت من (اراک) دست رسی بمنابع مربوط باین موضوع کاملاً میسر نیست.

عجالتاً آنچه بطور اجمال باید ذکر کرد این است که حکما مشرقیین (مشائین تابع

مکتب ارسطو) اهل بغداد یا بصره نیستند و آقای دکتر بدوی نتوانسته است درست این قسمت را تشخیص بدهد و کلمات خود شیخ الرئیس مکتب آنست .

۲- صرف نظر از موضوع فوق آقای دکتر صرفاً در ترجمه کلمات شیخ الرئیس از عربی به فارسی درست مذاقه نفرموده اند و مخصوصاً در ترجمه مقدمه منطق المشرقیین .

بطور کلی در انشاء عبارات ترجمه بی اندازه تسامح و سهل انگاری شده بنحوی که غالب جمله ها مخصوصاً برای کسانی که سواد عربی درستی ندارند غیر قابل فهم است و قسمت های معینی که در ذیل شرح داده میشود بطوری ترجمه شده که مطلب مغشوش و غیر مفهوم است . در اینجا برای وانمودن اینگونه سهل انگاری دو فقره ذیل را از مقاله آقای دکتر صرفاً نقل میکند:

اول- عبارت «و این اقصی حد قدرت آدمی در تمیز مخلوط و تهذیب مفید است که نخستین بار بدان اقدام کند» ترجمه ایست که برای این عبارت عربی شده است :

«و ذالك اقصی ما یقدر علیه انسان یكون اول من مدیده الی تمیز مخلوط و تهذیب مفید»

بضم میم و فتح سین اسم مفعول باب افساد . نگارنده تا هنگامیکه بمتن عربی مراجعه نکرد

نتوانست معنی جمله بالا را درست درک کند . مخصوصاً که کلمه (مفسد) وقتی در متون فارسی

استعمال میشود علی المفعول بکسر سین و بمعنی مرتکب فساد و خرابی میباشد و در متن عربی

مقدمه شیخ الرئیس این کلمه بفتح سین و اسم مفعول و بمعنی چیزی است که فساد و خرابی در

آن راه یافته باشد . از اتفاق مرحوم دکتر قاسم غنی در کتاب «ابن سینا» ی خود این جمله

را خیلی خوب و قابل فهم ترجمه کرده که اینک از صفحه ۸۵ رساله مزبور عیناً نقل میشود :

«البته برای کسیکه نخستین بار درست به تمیز مسائل مخلوط و درهمی میزند و بتشخیص صحیح

از فاسد مبادرت میکند آنچه ارسطو کرده منتهای توانائی و قدرت و نهایت طاقت انسانی

است . « پس بی گمان ترجمه آقای دکتر صرفاً مفهوم نیست .

دوم - جمله عربی : «شدید الی الاعترا الی المشائین من الیونانیین» که ترجمه صحیح

فارسی آن چنین است : «مشتغلین بعلم بشدت و سختی خود را منتسب بمشائین یونانی میدانستند»

و ایشان اشتباهاً چنین ترجمه کرده اند « چون مشتغلین بعلم شدیداً از مشائین یونانی پیروی

میکردند » ، در صورتیکه اعترا از باب افتعال در کتب لغت بمعنی انتماء و انتساب معنی شده است و اشتباه در ترجمه واضح است و احتیاج به بیان بیشتری ندارد .

### وان یک نفس

چون ناله که از چنک برون میآید  
وان یک نفس از سنک برون میآید

آهم ز دل تنک برون میآید  
زین محنت ها بیک نفس باز هم

از راحة الصدور راوندی